



شنبه 15 بهمن 12 ربیع الاول 4 فوریه

قیام مختار در کوفه در سال 66 هجری قمری ...

قیام مختار در کوفه در سال 66 هجری قمری

مختار بن ابی عبیده ثقفی و خاندان مبارز وی، به ویژه عمویش سعد بن مسعود، همگی از شیعیان و علاقمندان امام علی(ع) و فرزندان امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و از طرفداران و محبان اهل بیت(ع) بودند.

سعد بن مسعود، عموی مختار در ایام خلافت امام علی(ع) از جانب آن حضرت، حاکم مدائن شد و در کنار آن حضرت با دشمنانش به نبرد برخاست و در ایام خلافت امام حسن مجتبی(ع) نیز بر این مقام، باقی بود.

در آغاز قیام امام حسین(ع)، مختار از هواداران اصلی آن حضرت در کوفه به شمار می‌آمد و به شدت با حکومت یزید مخالفت می‌ورزید و هنگامی که مسلم بن عقیل، نماینده امام حسین(ع) وارد کوفه گردید، در خانه مختار، منزل گزید و از همن جا، قیام ضد اموی را رهبری می‌کرد ولی در روز قیام مسلم بن عقیل، که پیش از موعد مقرر به وقوع پیوست، مختار در کوفه نبود و زمانی به کوفه برگشت که مسلم بن عقیل، شهید و عبیدالله بن زیاد بر شهر تسلط کامل یافته بود و مختار به محض ورود به شهر دستگیر و زندانی گردید و با بزرگانی از شیعه، هم چون میثم تمار، عبدالله بن حارث و بسیاری از دوستداران اهل بیت(ع) در زندان، هم بند شد و روحیه رزمی تازه‌ای یافت.

عبدالله بن عمر، که همسر صفیه خواهر مختار بود، از دستگیری وی با اطلاع شد و جهت رهایی وی نامه‌ای به یزید نوشت و از او تقاضای خلاصی مختار از بند عبیدالله را نمود.

یزید درخواست وی را پذیرفت و به عبیدالله، نامه‌ای نوشت و دستور داد که مختار را آزاد نماید. عبیدالله بن زیاد که قصد اعدام مختار را داشت، به ناچار وی را آزاد کرد ولی دستور داد که از شهر کوفه بیرون رود.

مختار، هنگامی از زندان رهایی یافت که واقعه کربلا و قیام اباعبدالله الحسین(ع) و شهادت آن حضرت و یارانش در کربلا به پایان رسیده بود و او افسوس فراوان می‌خورد که چرا توفیق حضور در رکاب آن حضرت را نداشت. مختار از آن پس به سوی حجاز رفت و در مکه با قیام "عبدالله بن زبیر" آشنا شد. وی پس از دیدارهایی با عبدالله بن زبیر، وی را هم فکر و هم عقیده خویش نیافت و بدین جهت از وی جدا شد و به طائف رفت و پس از یک سال، بار دیگر به مکه رفت و با وساطت برخی از شخصیت‌ها، دوباره با عبدالله بن زبیر دیدار کرد و با او به صورت مشروط بیعت کرد و شرط او این بود که وی، پس از عبدالله بن زبیر بالاترین پست حکومتی را داشته باشد، تا از این طریق به هدف‌ها و خواسته‌هایش برسد.

مختار در جریان هجوم "حصین بن نمیر" به مکه و مقاومت سرسختانه عبدالله بن زبیر، در کنار عبدالله بن زبیر بود و شجاعانه با لشکریان شام به نبرد می‌پرداخت. سرانجام یزید بن معاویه در سال 64 قمری به هلاکت رسید و رشته حکومتی امویان از هم پاشید و عبدالله بن زبیر، خود را خلیفه مسلمانان نامید و بسیاری از مناطق اسلامی، از جمله حجاز، عراق، ایران و یمن را در تصرف خویش درآورد. پس از پیروزی عبدالله بن زبیر، مختار دریافت که وی به فکر و رأی خود عمل می‌کند و تنها به پیروزی خویش می‌اندیشد. بدین جهت، از وی جدا شد و راه عراق را در پیش گرفت و بار دیگر در کوفه ساکن شد.

وی پیش از حرکت به سوی عراق، در حجاز با "محمد بن حنفیه" فرزند امیرمؤمنان(ع) تماس گرفت و هدف‌های خویش را با وی در میان گذاشت.

به همان مقدار که وی به خاندان پیامبر(ص) علاقه نشان می‌داد و برای خون خواهی شهیدان آنان قیام می‌کرد، به همان اندازه عبدالله بن زبیر، پس از پیروزی، با آنان دشمنی می‌نمود و زمینه آزار آنان را فراهم می‌کرد.

مختار پس از ورود به کوفه، شیعیان و بزرگان این شهر را به خود دعوت کرد و از آنان درخواست نمود، که جهت گرفتن انتقام خون شهدای کربلا، وی را یاری دهند.

جنایت کاران واقعه کربلا که در کوفه ساکن بوده و با استنادار عبدالله بن زبیر، رفت و آمد داشتند، از فعالیت‌های مختار به هراس افتاده و استنادار را برای دستگیری وی تحت فشار قرار دادند. بدین جهت، مختار بار دیگر دستگیر شد.

مختار پیش از دستگیری، با سران توابین، از جمله "سلیمان بن صرد خزاعی" در مبارزه با قاتلان واقعه کربلا، همفکری و همکاری داشت ولی با شیوه آنان موافق نبود.

به هر روی، وی در زمان "قیام توابین" در زندان عبدالله بن زبیر به سر می‌برد. پس از واقعه شهادت توابین و بازگشت باز ماندگان آن به کوفه، مختار از زندان با آنان تماس گرفت و زمینه قیام خویش را فراهم ساخت. عبدالله بن عمر، بار دیگر بنا به درخواست مختار، برای وی وساطت کرد و از عبدالله بن زبیر تقاضا نمود، که وی را آزاد کنند.

مختار از زندان آزاد شد و به سازماندهی مجدد شیعیان و خون خواهان امام حسین(ع) پرداخت. در همین زمان، عبدالله بن زبیر، طی حکمی "عبدالله بن یزید انصاری" و خزانه دارش "ابراهیم بن محمد طلحه" را از حکومت کوفه برکنار و "عبدالله بن مطیع" که از یاران بسیار نزدیک وی بود، به این مقام منصوب کرد.

گستره دعوت مختار به بصره نیز رسید و تعداد زیادی از شیعیان این شهر پس از زد و خوردهای متعدد، به کوفه وارد شده و به مختار پیوستند. برخی از بزرگان شیعه و سران قبایل، نسبت به حقانیت دعوت مختار تردید نموده و بدین لحاظ نماینده‌ای به مدینه فرستاده و از محمد بن حنفیه درباره صحت دعوت مختار استفسار نمودند. محمد بن حنفیه در پاسخ آنان گفت: مختار، وزیر و پشتیبان من است و فرستاده و دوستدار ماست.

پس از این پیام، بسیاری از سران شیعه، از جمله "ابراهیم بن مالک اشتر نخعی" به او پیوسته و از جهت نیرو و امکانات تقویتش نمودند. پس از آنکه زمینه قیام فراهم آمد، مختار و ابراهیم بن مالک و دیگر سران نهضت، تصمیم گرفتند که در شب پنجشنبه، 14 ربیع الاول سال 66، قیام را آغاز کرده و حکومت کوفه را به دست گیرند. ولی با برخورد رئیس پلیس کوفه با ابراهیم بن مالک اشتر و کشته شدن رئیس پلیس در روز سه شنبه 12 ربیع الاول، عملاً قیام مختار دو روز زودتر از موعد مقرر آغاز گردید.

انقلابیون کوفه، با شعار "یا ثارات الحسین" حرکت خویش را گسترش داده و با نیروهای عبدالله بن مطیع، نماینده عبدالله بن زبیر به نبرد برخاستند و با شکست دشمن، حکومت کوفه را به دست گرفته و نماینده عبدالله بن زبیر را اخراج کردند.

یاران مختار که عموماً از موالیان و ایرانیان مقیم عراق و شیعیان و دوستداران اهل بیت(ع) بودند، در اندک مدتی بر بخش هایی از عراق تسلط پیدا کردند.

مختار پس از پیروزی، به تعقیب جنایت کاران واقعه کربلا پرداخت و بسیاری از آنان را دستگیر و به سزای کردارشان رسانید و برخی از آنان را در میدان جنگ به قتل آورد و برخی دیگر را در هنگام شکست، اسیر و به وضع فجیعی به هلاکت رسانید.

وی با این اقدامات خویش، قلب شیعیان و اهل بیت داغدار را شاد کرد و دعای آنان را بدرقه خویش نمود. ولی مختار با سه جبهه مهم از دشمنانش روبرو بود:

1. عبدالله بن زبیر، که برادرش مصعب بن زبیر را به جنگ مختار فرستاده بود.

2. امویان شام که عبیدالله بن زیاد را برای سرکوبی مختار به سوی عراق گسیل کرده بود.

3. ضد انقلاب داخلی و گردنکشان مخالف اهل بیت(ع) که در کوفه و اطراف آن ساکن بوده و با قیام مختار به شدت مخالفت می‌ورزیدند.

سرانجام دشمنان مختار از درون و بیرون، حکومت وی را تحت فشار قرار داده و سپاهیان وی را در چند جبهه درگیر کردند. مصعب بن زبیر که به کوفه هجوم آورده بود، با همکاری ضدانقلاب کوفه، سپاهیان مختار را پس از نبردی سنگین وادار به شکست کرد و در این میان، مختار شجاعانه به قتل رسید.

وی در 67 سالگی و در رمضان سال 67 قمری، هنگامی که تنها یک سال و نیم از حکومت وی گذشته بود، به شهادت رسید. پس از کشته شدن وی، حدود هفت هزار نفر از یاران وی که در دارالاماره محاصره بودند، همگی دستگیر شده و با قساوت تمام مصعب، کشته شدند.

بدین ترتیب، مختار بن ابی عبیده ثقفی با قیام خونین خود، انتقام خون شهیدان کربلا را از جنایت کاران و قاتلان کربلا گرفت و

افرادی چون عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد، شمر بن ذی الجوشن، محمد بن اشعث، حصین بن نمیر، شر حبیل بن ذی الکلاع و بسیاری از آنان را به سزای کردارشان رسانید.

درگذشت پیشوای حنبلیان در سال 241 هجری قمری

احمد بن محمد بن حنبل شیبانی، بنیان گذار مکتب فقهی حنبلی و پیشوای حنبلیان (یکی از چهار مذهب معروف اهل سنت) در ربیع الاوّل سال 164 قمری دیده به جهان گشود.

پدر و مادرش از اهالی "مرو" بوده و به خاطر موقعیت کاری خود، به بغداد کوچ کردند.

هنگامی که به بغداد می‌رفتند، مادر احمد بن حنبل، وی را حامله بود و در بغداد، او را به دنیا آورد.

روایت دیگری حاکی است که وی در "مرو" به دنیا آمد و در ایّام نوزادیش، پدر و مادرش، وی را برداشته و به بغداد مهاجرت نمودند.

به هر روی، وی در میان عرب‌ها رشد و بر مذهب اهل سنت، تربیت یافت.

احمد بن حنبل در نزد مدرّسانی چند به فراگیری دانش پرداخت و از اساتید مبرزی بهره یافت. وی برای تحصیل علوم اسلامی، به برخی از شهرهای اسلامی مانند کوفه، بصره، مکه، مدینه، یمن، شام، جزیره و مصر سفر نمود. آن طوری که برخی از تاریخ نگاران نوشته‌اند، وی از شاگردان نزدیک امام شافعی (بنیان گذار مکتب شافعی، از مذاهب چهارگانه اهل سنت) و همیشه با وی همراه بود، تا این که شافعی در مصر وفات یافت.

احمد پس از شافعی، خود به ایجاد مکتب تازه‌ای در فقه اسلامی پرداخت و در رشته حدیث، مهارتی ستودنی داشت و در همین رشته، کتاب گرانسنگ «المسند»#171 را تألیف نمود و در آن، احادیث و روایات زیادی که دیگران به آن دست نیافته بودند، گردآوری کرد. زندگی هفتاد و هفت ساله وی، با خلافت هشت تن از خلفای عباسی به نام‌های ذیل معاصر بود:

1- مهدی عباسی؛ 2- هادی عباسی؛ 3- هارون الرشید؛ 4- امین عباسی؛ 5- مأمون عباسی؛ 6- معتصم عباسی؛ 7- واثق عباسی؛ 8- متوکل عباسی.

وی مورد پذیرش و تقویت دستگاه خلافت عباسی بود و جز در عصر معتصم و واثق که برای وی ناراحتی‌هایی به وجود آوردند، در بقیه عمر، از احترام عباسیان برخوردار بود.

در عصر وی، بحث اختلاف ازلی بودن قرآن و یا مخلوق بودن آن، بسیار گرم بوده و دانشمندان و عامه مردم را به خود سرگرم کرده بود. برخی می‌گفتند که قرآن، از ازل بوده و ایجاد تازه‌ای نداشت و برخی دیگر می‌گفتند که قرآن، همانند سایر مخلوقات، از سوی خداوند متعال آفریده شد و خلق تازه‌ای داشت.

خلفای عباسی نیز بر دو دسته بودند. مأمون و معتصم عباسی از جمله قائلین به خلق قرآن بودند. در زمان معتصم، از احمد بن حنبل خواسته شد که به خلق قرآن فتوا دهد و او از این کار امتناع ورزید و در مناظره و مباحثه با سایر درباریان معتصم عباسی، به این گفتار رضا نداد.

معتصم، دستور داد وی را دستگیر و بر او تازیانه زنند و سپس وی را زندانی نمود و به مدت بیست و هشت روز در زندان نگه داشت. آن گاه، وی را از زندان آزاد کرد.

پس از مرگ معتصم، در حاکمیت واثق عباسی نیز در خانه خویش محصور بود و اجازه بیرون آمدن از آن را نداشت. تا این که در سال 232 قمری، واثق وفات یافت و متوکل عباسی به حکومت رسید. متوکل، وی را نوازش و به او اکرام و احترام زیادی نمود و بدرفتاری‌های معتصم و واثق عباسی را جبران کرد.

سرانجام، این دانشمند بلند آوازه، در دوازدهم ربیع الاوّل، و به روایتی در بیست و سوم ربیع الاوّل سال 241 قمری در بغداد وفات یافت و در مقبره "باب حرب" به خاک سپرده شد. گفته شد که در تشییع جنازه وی، حدود هشتصد هزار مرد و شصت هزار زن شرکت

نمودند.

ولیکن همه آنان از دوستان وی نبوده و بسیاری از آنها از مخالفان و دشمنان او بودند که در میان آنها، کسی را گماشته بودند که با صدای بلند می‌گفت: ای مردم! لعنت کنید این کس را که بر ضد احکام شریعت حکم می‌داد.

گفته شد که احمد بن حنبل، لعنت کردن بر یزید بن معاویه را جایز می‌شمارد.

گرامیداشت هفته وحدت

وحدت و یکپارچگی مسلمانان و لزوم اتحاد و اتفاق کلمه میان ایشان بلکه ضرورت توحید کلمه بر محور کلمه توحید برای همه موحدان و خداپرستان روی زمین، از تعالیم و آموزشهای اساسی آیین اسلام و از اصول فرهنگ قرآنی است.

و بر همین اساس، قرآن کریم یکی از عمده ترین و سازنده ترین اهداف رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تالیف قلوب و ایجاد انس و تفاهم به جای خصومت و دشمنی بیان می‌دارد و اگر کسی در تاریخ، به دیده عبرت بنگرد این معنی را از شاهکارهای رسالت محمدی صلی الله علیه و آله می‌یابد.

«#واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا»

همگی به حبل و رشته خداوندی چنگ بزنید و پراکنده نگردید.

بعد از رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام اوصیای معصوم او کوشیدند تا آن وحدت و یکپارچگی را حفظ کنند و آنان از حقوق شخصی خویش چشم پوشیدند و در طول تاریخ، دانشمندان مصلح و همه تلاشگران راستین انسانیت، هم خودشان از عوامل اختلاف و تجزیه گریختند و از دامن زدن به آتش خصومت بین مسلمانان، برکنار زیستند و هم دیگران را به اتحاد و تفاهم فراخواندند.

ما مسلمانان به این آیه زیبای قرآن، بیشتر باید بیندیشیم:

«#فتقطعوا امرهم بینهم زیرا کل حزب بما لديهم فرحون»

اهل کتاب و پیروان ادیان آسمانی و اتباع رسولان الهی، گروه، گروه شدند، ضد و دشمن هم گشتند و هر يك به آنچه نزد اوست خرسند و شادمان گردیدند. (المؤمنون /53)

طرح اندیشه «#وحدت جهان اسلام» یکی از مشغولیت های فکری دیرینه و اساسی حضرت امام (ره) بود که او در طول دوران فعالیت اجتماعی - سیاسی خود چه قبل از پیروزی «#انقلاب» اسلامی و چه بعد از آن لحظه ای از آن غفلت نورزید. وفاداری صادقانه امام به «#وحدت» نه تنها او را به برجسته ترین شخصیت انقلابی جهان اسلام تبدیل نمود، بلکه او توانست در میان فرقه های اسلامی مختلف نیز جایگاه بس رفیعی کسب نماید.

استراتژی مبارزاتی امام (ره); در جهت ایجاد بستر و شرایط لازم برای تحقق وحدت و همیاری در جهان اسلام، اصولا روی دو محور عمده تمرکز یافته است:

«#حرکت فکری - فرهنگی» و «#حرکت سیاسی - عملی». امام (ره) با توجه به مراحل مبارزه، «#تعلیم و تربیت» سیاسی را زیربنای حرکت سیاسی دانسته و اولین وظیفه مردم را در تحقق و توسعه، امر «#تبلیغ» و «#تعلیم» قرار داده است.

در این زمینه امام خمینی (ره) فرموده اند:

#171&...وظیفه ما این است که از حالا برای پایه ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم، تبلیغ کنیم، تعلیمات بدهیم، هم فکر بسازیم، یک موج تبلیغاتی و فکری بوجود آوریم تا یک جریان اجتماعی پدید آید و کم کم توده های آگاه، وظیفه شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست...»

امام خمینی (ره) به عمق نقش اجتماعات دینی چه در بعد اندیشه سازی و چه در بعد اجتماع سازی به خوبی پی برده بود. او اجتماعات و مراسم دینی را صرفاً به منظور کاربرد تعلیمی و آموزشی آن در مقولات فکری، مورد تشویق قرار نمی دهد بلکه مهم تر از آن به نقش اجتماع سازی و شکل دهی روابط اجتماعی جدید از طریق گردهمایی ها و نیز آگاهی یافتن مسلمین از قدرت و نیروی ارادی و انسانی شان هم اشاره دارد. به همین جهت است که #171& «روز قدس» به عنوان سمبل وحدت جهان اسلام که پیام انقلابی و ضد استعماری هم دارد از سوی ایشان در سطح جهان اسلام پیشنهاد گردید و همچنین بزرگداشت #171& «هفته وحدت» میلاد حضرت رسول (ص) (از 12 ربیع الاول به روایت اهل تسنن تا 17 ربیع الاول) مورد حمایت وی قرار گرفت؛ چه این که از دیدگاه او روند وحدت بین مسلمین، ضرورت ایجاد سمبل ها و نهادهای تازه ای را می طلبد که فراتر از زمان و مکان قرار دارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در رابطه با هفته وحدت فرموده اند:

اگر امروز بشریت متوجه این رحمت بشود - رحمت وجود اسلام، رحمت تعالیم نبوی، این سرچشمه جوشان "وحدت" و آن را بیابد و خود را از آن سیراب کند، بزرگترین مشکل بشر برطرف خواهد شد. اگر چه همین امروز هم، تمدنهای موجود عالم، بلاشک از تعالیم اسلام بهره مند شده اند و بدون تردید آنچه از صفات و روشهای خوب و مفاهیم عالی در بین بشر وجود دارد، متخذ از ادیان الهی و تعالیم انبیاء و وحی آسمانی است و بخش عظیمی از آن، به اسلام متعلق است، لیکن امروز بشر به معنویت و صفا و معارف روشن و حق و دلپذیر اسلام - که هر دل با انصافی آن معارف را می پذیرد و می فهمد - نیازمند است. لذاست که دعوت اسلامی در جهان، طرفدار پیدا کرده است و بسیاری از غیر مسلمین هم دعوت اسلامی را پذیرفته اند.

تولد شیخ الشریعة اصفهانی سال 1266 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

میرزا فتح الله فرزند محمد جواد نمازی شیرازی، معروف به (شیخ الشریعة اصفهانی نجفی)، در 12 ماه ربیع الاول سال 1266 هجری قمری در اصفهان و در یک خانواده علم و دانش و فقه و فقاہت متولد گردید.

تحصیلات :

تحصیلات ابتدایی را در همان شهر فرا گرفت سپس در راه پی گیری تحصیلات و کسب فیض از انوار امامت، به مشهد هجرت کرد مدتی در آن آستان قدس رضوی اقامت گزید، سپس به موطن اصلی خود باز گشت و به تحصیل و تدریس اشتغال ورزید و درس و بحثهای او مورد اعجاب و شگفت هم دوره ها و اساتید قرار گرفت ولی حوزه اصفهان آن روز، نتوانست نیاز روحی او را اشباع کند، ناچار پس از مدتی اقامت در اصفهان، در سال 1295 هجری قمری، به نجف اشرف مهاجرت نمود و زانوی ادب را به عنوان کسب معلومات بیشتر پیش اساتید عظام آن حوزه به زمین زد، و شب و روز در پی فراگیری علوم اسلامی تلاش و جهد به خرج داد تا به مقام عالی اجتهاد نایل آمد.

اساتید :

وی از محضر اساتیدی مانند :

1- شیخ جواد خراسانی.

2 - مولی حیدر علی اصفهانی.

3 - ملا احمد سبزواری.

4 - شیخ محمد صادق تنکابنی.

5 - شیخ محمدتقی اصفهانی.

6 - حاج میرزا حبیب الله رشتی.

7 - شیخ محمد حسین کاظمی.

و دیگر بزرگان و اساطین فقه و فقاہت، کسب علم نموده است.

تدریس :

او در سال 1313 هجری قمری به قصد انجام مناسک حج و زیارت قبر رسول اکرم (صل الله علیه وآله) به مکه و مدینه مشرف شد پس از بازگشت به تألیف و تصنیف و تدریس اشتغال ورزید، به حدی که درس او یکی از حوزه های بزرگ و پرجمعیت حوزه علمیه نجف گردید که صدها دانشجو و طالب علم را در بر می گرفت و افرادی که به شرح حال وی پرداخته اند، عموماً اتفاق نظر دارند که او صدها تن از شاگردان فقه و اصول را تربیت، و رجال نامی اسلامی را تحویل جامعه داده است.

شاگردان :

صدها تن از عاشقان علم و تشنگان معرفت در حوزه درس فقه و اصول او شرکت می جستند که از آن جمع می توان :

1 - سید محمد حجت کوه کمری.

2 - سید صدرالدین صدر.

3 - سید محمد تقی خوانساری.

4 - شیخ محمد حسین سبحانی تبریزی خیابانی، را نام برد.

تألیفات :

مرحوم شیخ شریعت کتابها و تألیفات گرانمایی به یادگار گذارده است که هر کدام نشانگر تبحر و وسعت اطلاعات او در علوم اسلامی است که از آن میان می توان اسامی کتابهای زیر را آورد.

1 - انارة الحالك فی قراة ملك و مالك.

2 - ارث الزوجة من ثمن العقار.

3 - صيانة الابانة عن وصمة الرطانه.

4 - افاضة التقدير فی احكام العصير.

5 - قاعدة لاضرر.

6 - قاعدة طهارت.

7 - قاعدة الواحد البسيط.

8 - رساله ای در متمم کر.

9 - رساله ای در جلود سیاع.

و کتابها و رساله های دیگر که بالغ بر 15 جلد می گردد.

گفتار بزرگان :

مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی در کتاب (مصفی المقال) می نویسد : او پس از استاد بزرگوار ما، شیخ نوری، عالم ترین و داناترین استاد در علم حدیث و رجال بوده که درک کرده ام.

صاحب کتاب اعیان الشیعه درباره او می گوید : او در فنون فلسفه قدیم، حکمت الهی، کلام، درایه و شناخت اقوال و آرا و مقالات دیگران عالم و متبحر بود.

مقام علمی :

او با داشتن اطلاعات و معلومات وسیع، و با داشتن حافظه قوی و سرشار، در فراگیری علوم مختلف و متنوع، معروف و ممتاز بود.

وی تنها به فقه و اصول (رشته اختصاصی خود) نمی پرداخت، بلکه در کنار تبحر در آن دو، به کلام، عقاید، فلسفه، تفسیر، ادبیات، ریاضیات، طب و نیز پرداخته بود، به حدی که در هر کدام از این رشته ها کتاب یا رساله ای تألیف نموده بود.

وفات :

او همراه دیگر علمای اسلام بر ضد استعمار بریتانیا شرکت جست و در اثنا سفر به مرض سخت سینه درد ابتلا پیدا کرد و زمین گیر گردید، به حدی که روز به روز بر شدت مرض او افزوده می گشت تا اینکه در سال 1339 هجری قمری در ماه ربیع الثانی به فیض لقا پروردگار خود شتافت و در صحن غروی، در یکی از غرفه های شرقی آن مدفون گردید.

تعیین رئیس دولت موقت توسط حضرت امام خمینی(ره) در سال 1357 هجری شمسی

پس از تعیین اعضای شورای انقلاب حضرت امام خمینی(ره) رهبر فقیه انقلاب اسلامی در سال 1357 هجری شمسی رئیس دولت موقت را نیز برگزیدند. حضرت امام در حکم خویش برنامه ها و وظایف دولت موقت را نیز برگزیدند. حضرت امام در حکم خویش برنامه ها و وظایف دولت موقت را معین کرده بودند و این دولت را موظف کردن همه پرسبی درباره تغییر نظام سیاسی کشور و تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی نظام جدید اقدام کند. همچنان کارکنان نخست وزیری به منظور پشتیبانی از مبارزات خونین ملت مسلمان و در جهت همبستگی با این نهضت اعتصاب کردند. در چند پایگاه هوایی نیز قیام هایی برضد رژیم و به جانبداری از قیام مردم مسلمان صورت گرفت. که به بازداشت عده زیادی از افراد نیروی هوایی منجر شد. در تهران و شهر های دیگر کشور با وجود برقراری حکومت نظامی عده زیادی از مردم در خیابانها به تظاهرات پرداختند و درگیرهایی که روی داد شماری از مردم مجروح شدند.

آغاز کنفرانس سیاسی ایالات در شبه جزیره کریمه در جنوب روسیه در سال 1945 میلادی

کنفرانس سیاسی ایالات در سال 1945 میلادی در شبه جزیره کریمه در جنوب روسیه و شمال دریای سیاه آغاز شد. هدف از تشکیل این کنفرانس بحث درباره مشکلات سیاسی نظامی پس از جنگ و تقسیم آلمان به چهار منطقه بود. در این کنفرانس برای تسلیم و تصرف آلمان تصمیم نهایی گرفته شد و مقرر گردید که آلمان بدون قید و شرط تسلیم شود. و دولتهای آمریکا و انگلستان و روسیه هر يك منطقه ای از آلمان را تصرف کنند. از فرانسه نیز دعوت شد به عنوان عضو چهارم کمیسیون نظارت منطقه ای را به عهده گیرد. از دیگر تصمیمات کنفرانس یالتا خلع سلاح آلمان ، محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگ و وادار کردن آلمان به پرداخت غرامت می توان نام برد. هم چنین مقرر شد به وضعیت نابسامان لهستان نیز رسیدگی شود.

استقلال کشور سیلان یا سریلانکا در سال 1948 میلادی

کشور سیلان یا سریلانکا در سال 1948 میلادی به استقلال رسید. این کشور پس از سالها سلطه پرتغالی ها و هلندی ها در سال 1798 میلادی مستعمره انگلستان شد. مردم سریلانکا از زمان جنگ جهانی اول نهضت استقلال طلبانه خود را آغاز کردند. این کشور ابتدا جزء کشورهای مشترک المنافع انگلستان شناخته شد. سرانجام در سال 1972 میلادی سیلان بطور رسمی مستقل شد و از آن پس به سریلانکا تغییر نام یافت. سریلانکا نزدیک به چهارمیلیون مسلمان دارد.

سری لانکا به صورت جزیره ای در جنوب شرقی هند قرار دارد. وسعت این کشور برابر با 66000 کیلومتر مربع و تعداد سکنه آن به 16300000 نفر بالغ می گردد. موقع جزیره ای قرار گرفتن در اقیانوس هند و نزدیکی به خط استوا موجب گرمی هو و رطوبت زیاد این منطقه شده است. تنگه پالک این کشور را از سرزمین هند جدا می نماید. دین اکثریت، بودائی و برهمنی است. ولی بیش از 7/5% مردم آن مسلمانند. انتشار اسلام در این جزیره از دو طریق و در دو زمان انجام پذیرفت: اول کاروانهای تجاری مسلمانان که در آغازین روزهای تولد اسلام، از جزیره العرب به این سرزمین آمدند. دوم با فتوحات مسلمانان ترک در این جزیره که منجر به تشکیل دولت اسلامی به سال 1206م در هند گردید. ازدواج بازرگانان عرب با زنان بومی نیز در گسترش اسلام بسیار مؤثر بود. سقوط بغداد به سال 1285م موجب مهاجرت مسلمانان بدین نواحی شد که در شکل گیری مسلمانان جنوب هند رل مهمی را به عهده داشتند. اما مسلمانان با دو مشکل واجه بودند: اختلاف با افراد سینهالی در زبان و با تامیل های شمالی در عقاید دینی معهذا اوضاع مسلمین در حال رشد و توسعه بود که پرتغالی ها در سال 1502م وارد سیلان شده و ضربات سختی به مسلمانان وارد نمودند و در سال 1526م رسماً نسبت به اخراج آنان اقدام نمودند و افراد کمی که باقی ماندند به نقاط درو افتاده، پناه بردند.

هلندیها در سال 1658م عمل پرتغالی ها را تکرار نمودند.

تاریخ حرکتهای مسلمین در سریلانکا سه دوره دارد:

دوره اول از سال 1947م تا 1960م که چون در اقلیت به سر می بردند با سینهالی ها، مشی همکاری را پیش گرفتند. دوره دوم از سال 1960م تا 1977م که در امور سیاسی نقش فعالتری را پیش گرفتند و نفوذ سیاسی را بجائی رسانیدند که دکتر 171#& دیورین محمود» به عنوان وزیر آموزش پرورش سری لانکا در نظام آموزشی این کشور تحولاتی به نفع مدارس اسلامی پدید آورد.

در دوره سوم که از سال 1977م آغاز می شود. بین سینهالیهای اکثریت و تامیل ها اقلیت نزاعهایی در گرفت که در این درگیریها گرچه مسلمانان اعلام بیطرفی نمودند ولی ضربات سختی را تحمل نمودند و تعداد زیادی از آنان کشته و مجروح شدند که چنین برنامه فجیعی می تواند چندین دلیل داشته باشد:

1. حمایت دولت از سینهالیها و اینکه افراد مسلح تامیل از سوی قوای نظامی مورد حمایت قرار می گیرند ولی مسلمانان هیچ گونه حامی ندارند.

2. تحریکات اسرائیل غاصب و حمایت از طایفه ای علیه طایفه دیگر، اثرات سوء بر روابط سری لانکا با کشورهای اسلامی گذاشته است.

3. کمکهای مالی و غیر مالی کشورهای مسلمان و عرب به مسلمین این سرزمین حساسیتهایی را در گروههای دیگر ایجاد می نماید.

اگر زبان سینهالی رسمی شود، مسلمانان با محیط تامیلی مسلمان خود در هندوستان بیگانه می شوند و اگر چریکهای تامیل پیروز شوند مسلمانان را به گروههای سینهالی و تامیلی تقسیم می کنند.

مسلمانان در نقاط مختلف پراکنده اند اما توزیع آنها یکسان نمی باشد. در شهر منار در شمال جزیره 28% و در کلمبو (مرکز حکومت) 10%، در جنوب 3% و در شرق بویژه در ناحیه امباری 42% مسلمان سکونت دارند. از حدود 200 مسجدی که در سریلانکا وجود دارد 25% آن در کلمبو می باشد. تعداد مسلمین در حال حاضر 1275000 نفر می باشد.